

درگیری ارمنستان و آذربایجان و منافع جمهوری اسلامی ایران (۱)



مقدمه

منطقه قفقاز جنوبی یکی از مناطق مهم برای جمهوری اسلامی ایران است که حضور مؤثر در تحولات آن، در ابعاد مختلف، تأمین‌کننده بخشی از منافع و حتی امنیت ملی کشور بوده و هست. این منطقه در عین حال، صحنه رقابت قدرت‌های غربی، روسیه، ترکیه و ایران و درگیری‌های دو کشور جمهوری آذربایجان و ارمنستان نیز است که باید به آن حضور رژیم صهیونیستی را هم اضافه کرد.

اختلاف‌های آذربایجان و ارمنستان ریشه در دوران اتحاد شوروی و حتی روسیه تزاری و جدا شدن از سرزمین ایران داشته و بر سر بخش‌هایی از قره‌باغ و مناطقی در اطراف آن است که ارمنی‌ها آن را متعلق به خود و آذری‌ها بخشی از جمهوری آذربایجان می‌دانند. در زمان اتحاد شوروی، طبق تصمیم حکومت مرکزی، این منطقه که اکثر جمعیت آن را ارمنی‌ها تشکیل می‌دادند، منطقه‌ای خودمختار، اما بخشی از ساختار جمهوری آذربایجان شد.

بعد از استقلال دو جمهوری آذربایجان و ارمنستان و فروپاشی اتحاد شوروی، درگیری‌های شدید بین دو کشور به اشغال بخش مورد ادعای دو طرف توسط ارمنستان منجر شد. این درگیری با دخالت روسیه و تعدادی از کشورهای غربی و با امضای قرارداد آتش‌بس بیشکک در سال ۱۹۹۴ به وضعیت نه جنگ و نه صلح درآمد. ولی، سرزمین‌های اشغالی به آذربایجان بازگردانده نشد و در ظاهر به شکلی مستقل، اما به واقع زیر قیمومیت ارمنستان، اداره می‌گشت. در عین حال از منظر جهانی، منطقه قره‌باغ کوهستانی و شهرهای اطراف آن (آغ‌دام، فیضولی، کلبجر، قبادلی، لاجین و زنگیلان) به‌عنوان قلمرو آذربایجان شناخته شد. این وضعیت ناپایدار در سال ۲۰۱۶ نیز به جنگی چهار روزه بین نیروهای آذربایجانی و ارمنه جدایی طلب قره‌باغ کوهستانی منجر شد که این درگیری هم تغییری در وضعیت آنها ایجاد نکرد.

درگیری‌های جدید و نقش‌های تازه

از بهار سال ۱۳۹۹ دو درگیری نظامی بین دو طرف رخ داد که اولی در منطقه‌ای موسوم به تاووز (طاووس) و کوتاه‌مدت بود. طرف ارمنی در این درگیری ضربات شدیدتری به نیروهای آذربایجان وارد کرد. سپس، در اواسط شهریورماه ۱۳۹۹ (اوایل سپتامبر) ترکیه و جمهوری آذربایجان رزمایشی را برگزار کردند که در ادامه آن و در ابتدای روز ۶ شهریور (۲۷ سپتامبر) بین نظامیان آذربایجانی و نیروهای جمهوری خودخوانده آرتساخ (در منطقه قره‌باغ) درگیری مجددی آغاز شد، اما نکته مهم در این درگیری، نقش جدیدی است که ترکیه برای خود تعریف کرد و حضوری است که رژیم صهیونیستی در این جنگ پیدا کرد.

معاونت مطالعات
سیاسی

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۶۰۱۷۵۴۲

تاریخ انتشار:

۱۴۰۰/۳/۱۱



برخلاف جنگ ابتدای دهه ۹۰ که ترک‌ها حتی از موضع‌گیری رسانه‌ای جدی خودداری می‌کردند، جمهوری آذربایجان با حمایت مستقیم نظامی ترکیه از یکسو و حمایت‌های تجهیزاتی و تسلیحاتی رژیم صهیونیستی از سوی دیگر، موفق به بازپس‌گیری بخش‌هایی از مناطق اشغالی از ارمنستان شد. سرانجام نیز در ۲۱ آبان (۱۱ نوامبر) با دخالت روسیه و امضای توافق خاتمه جنگ، درگیری‌ها به‌طور رسمی پایان می‌یابد که در این توافق هم ارمنستان می‌پذیرد قسمت‌های باقی‌مانده را به آذربایجان بازگرداند.

در سوی دیگر ماجرا، رژیم صهیونیستی قرار دارد که از زمان استقلال آذربایجان از شوروی، آن را به رسمیت شناخت و با آن رابطه برقرار کرد. طی این سال‌ها، سران این رژیم نیز سفرهایی به کشور آذربایجان داشته‌اند و یک‌بار هم وزیر خارجه آذربایجان به سرزمین‌های اشغالی سفر کرده است، اما جنگ اخیر که تجهیزات رژیم مذکور، توانمندی‌هایی را برای نیروهای آذری به ارمغان آورد، وضعیت تازه‌ای را در روابط این دو طرف ایجاد کرده است. به‌گونه‌ای که در ایام جنگ، پرچم رژیم صهیونیستی در کنار پرچم ترکیه در بسیاری از مناطق آذربایجان برافراشته شد. چندی قبل نیز، شیخ‌الاسلام جمهوری آذربایجان که عهده‌دار سمت رسمی دینی در این کشور شیعه است، با سفیر این رژیم ملاقات و از حمایت‌های آن در جنگ تشکر کرد. در ادامه این سلسله اقدام‌ها که به‌نظر کاملاً طراحی شده است، رئیس‌جمهور آذربایجان ایجاد کشور صهیونیستی را تبریک می‌گوید؛ آن هم در روزهایی که این رژیم غزه را آماج حملات قرار داده و حتی ترکیه به موضع‌گیری علیه آن می‌پردازد.

تغییر احتمالی در ژئوپلیتیک منطقه

افزایش بازیگری ترکیه، رقیب منطقه‌ای ایران و رژیم صهیونیستی، مهم‌ترین دشمن جمهوری اسلامی ایران، در منطقه قفقاز جنوبی آثار سوء آشکاری بر منافع و امنیت ملی کشور دارد که بررسی آن به فرصتی دیگر نیازمند است اما در کنار این دو عامل، باید به توافق ۹ بندی توجه کرد که روسیه طراح آن بوده و دو طرف را وادار به قبول آن کرد.

در این توافق برخی نکات گنجانده شده است که می‌تواند آثاری فراتر از روابط دو کشور جمهوری آذربایجان و ارمنستان برای منطقه داشته باشد. یکی از این موارد، آخرین بند توافق و اشاره‌ای مبهم به بازگشایی خطوط مواصلاتی بین جمهوری آذربایجان، ارمنستان و منطقه نخجوان است. نخجوان بخش جدا افتاده از سرزمین اصلی جمهوری آذربایجان به‌شمار می‌رود که مرز مشترک با ترکیه دارد (در حدود هشت کیلومتر) که تنها مرز ترکیه با جمهوری آذربایجان را شکل می‌دهد. مرزی که به‌دلیل خیانت ملی رضاخان در منطقه آراارات پدید آمد و تغییراتی را در ژئوپلیتیک منطقه ایجاد کرده که اکنون آثار آن کاملاً لمس می‌شود.

ابهام موجود در این بند از توافق سبب شده که از یک طرف، ارمنستان آن معنای حداقلی را مورد اشاره قرار دهد و آن را فقط در حد همان برقراری راه‌های مواصلاتی بداند. در مقابل، طرف آذربایجانی برداشتی حداکثری از بند ۹ توافقنامه داشته باشد و بخواهد تا کریدوری از سرزمین اصلی آذربایجان و با گذر از خاک ارمنستان به سمت نخجوان ایجاد شود؛ خواستی که به احتمال بسیار زیاد در پشت آن ترکیه قرار دارد و شاید درحقیقت، خواسته ترکیه باشد که از زبان مقام‌های جمهوری آذربایجان بیان می‌شود. چون عملیاتی شدن این مسیر کمک شایانی به هدف منطقه‌ای ترک‌ها در ایجاد ترکستان بزرگ خواهد بود.

عالی‌ترین مقام آذربایجان مدتی است که در فرصت‌های گوناگون و به بهانه‌های مختلف موضوع کریدور از زنگه‌زور به سمت نخجوان را مطرح می‌کند و تهدید می‌کند که یا ارمنستان به آن تن خواهد داد یا آنکه با استفاده از زور آن را محقق خواهد کرد. بعد از این

اظهارات است که عملیات اخیر نیروهای آذری در بخشی از مرز با ارمنستان و در حدود دریاچه سوان اهمیت می‌یابد. هرچند طرف‌های روس گفته‌اند این بخش از مرز آن دو کشور هنوز علامت‌گذاری نشده است و به‌نوعی علت درگیری را ابهام در مرز اعلام کرده‌اند.

منافع جمهوری اسلامی و توصیه‌ها

جمهوری آذربایجان پس از پیروزی نظامی در نبرد اخیر و بازپس‌گیری بخش‌های اشغالی سرزمینش، از یکسو در وضعیت برتری روحی قرار دارد و از سوی دیگر، نقش مؤثر ترکیه در این پیروزی، نفوذ فراوانی را برای ترک‌ها در حاکمیت آذربایجان ایجاد کرده است. از این‌رو در صورتی که کریدور مورد نظر آنان از سرزمین جمهوری آذربایجان به نخجوان ایجاد شود، بی‌تردید ترکیه این مسیر را به شاهره اصلی انتقال و ترانزیت کالا و انرژی تبدیل خواهد کرد و موفق خواهد شد تا مرز ایران با ارمنستان را در عمل به منطقه‌ای بی‌خاصیت تبدیل کند و در عمل دسترسی جمهوری اسلامی ایران را به منطقه قفقاز قطع و ما را در بخش شمال غربی با بن‌بست و انفعال عملی مواجه سازد. همچنین این مسیر گام مهمی در ایجاد رؤیای ترکستان بزرگ و اتصال زمینی ترکیه به کشورهای ترک‌زبان آسیای مرکزی خواهد شد که یکی از پیامدهای آن کنار گذاشته شدن ایران از معادلات انتقال و ترانزیت کالا، انرژی و داده منطقه آسیای مرکزی و قفقاز است.

از این‌رو، کشور نیازمند انجام اقدام‌هایی است که هم به افزایش نقش‌آفرینی در معادلات این منطقه منجر شود و هم با افزایش درهم‌تنیدگی منافع دو کشور ارمنستان و آذربایجان با منافع ایران زمان و فرصت‌هایی را در اختیار قرار دهد.

در این راستا دستگاه تقنینی کشور می‌تواند با استفاده از نفوذ و نقش خط‌مشی‌گذاری، دستگاه‌های اجرایی را در جهت حفظ و تأمین منافع و امنیت ملی کشور هدایت کند. از این‌رو پیشنهاد می‌شود اقدام‌های زیر در دستور کار قرار گیرد و از بخش‌های اجرایی عملیاتی شدن آنها خواسته شود:

۱. تکمیل هرچه سریع‌تر مسیر ترانزیتی شمال - جنوب که مدت‌هاست باقی‌مانده است و مسیر شرق به غرب.
۲. افزایش مسیرهای مواصلاتی و ترانزیتی با جمهوری آذربایجان، به‌ویژه در مناطق تازه آزاد شده مانند خداآفرین تا بخش‌هایی از نیازهای آذربایجان پوشش داده شود.
۳. تسهیل در مبادلات بین دو بخش از سرزمین جمهوری آذربایجان با نخجوان از مسیر جمهوری اسلامی ایران با تسهیل در مقررات مربوط.
۴. تکمیل و تعمیر جاده مرزی بین جمهوری اسلامی ایران و ارمنستان که بخش اندکی از این مسیر در داخل ایران باقی‌مانده و می‌توان با کمک به راه‌اندازی آن در ارمنستان، هم به اقتصاد خارجی کشور یاری رساند و هم به‌طور طبیعی، انتظار افزایش مداخله ایران در درگیری‌های آذربایجان و ارمنستان را در این منطقه داشت.